

اندیشه اجتماعی غرب جدید (۳)

ترقی و توسعه

نویسنده: محمدرضا قائمی نیک / سید سعید موسوی ثمرین



اندیشه اجتماعی غرب جدید (۳)

ترقی و توسعه

نویسنده: محمدرضا قائمی نیک/ سید سعید موسوی ثمرین

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۲۹-۷-۱

قیمت: ۸۴۰۰ تومان

ناشر: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر

نشانی: ضلع شمالی دانشگاه تهران، بن بست عنایت، پلاک ۲، واحد ۵،

مرکز پخش: ۸۸۹۶۸۵۰۷

آدرس سایت: www.kosarpub.ir

برشته‌نامه: قائمی نیک، محمدرضا، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: ترقی و توسعه/ نویسنده رضا قائمی نیک، سیدسعید موسوی ثمرین.

مشخصات نشر: تهران: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: اندیشه اجتماعی غرب جدید: (۳).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۲۹-۷-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: پیشرفت

موضوع: پیشرفت -- فلسفه

شناسه افزوده: موسوی ثمرین، سعید، ۱۳۶۵ -

شناسه افزوده: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ق۴/۱۳۸۹۱ HMA

رده بندی دیویی: ۳۰۳/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۹۵۸۸

این مجموعه با مساعدت مؤسسه اشراق منتشر گردیده است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه مجموعه
۵	پیشگفتار توسعه به مقایه گرداب
	فصل یکم
۹	پیش تاریخ «ترقی»
۱۵	رنسانس: انقطاع از فلسفه تاریخ مسیحیت
۲۰	تکوین اندیشه دنیوی ترقی
۲۲	اندیشه ترقی در ابهام: یک معضله منطقی
	فصل دوم
۲۷	اندیشه ترقی در اوج
۲۹	پیدایش مفهوم مطلق در فلسفه تاریخ
۳۵	داروینیسیم: اندیشه ترقی در دامان طبیعت
۳۸	جامعه‌شناسی کلاسیک و اجتماعی شدن اندیشه ترقی
۴۶	صورت‌بندی سبک زندگی براساس الگوهای توسعه و ترقی
	فصل سوم
۵۷	ترفندهای بورژوازی در پیشبرد توسعه
۶۷	شیفتگی و نفرت
۶۸	ظهور بورژوازی

۷۱ سوسیالیسم: طغیان موقت کارگران

۷۴ ناسیونالیسم و استعمار

۷۶ دیگ جوشان امپراتوری‌ها و جنگ جهانی اول

۷۹ پایان ستمگری: تحقق رؤیاهای سوسیالیسم

۸۲ ظهور بورژوازی سستی در امریکا

۸۳ قیام علیه تحقیر

۸۵ عصر توسعه: جنگ سرد و ترفند دیرینه بورژوازی

فصل چهارم

۸۹ نظریه‌های نوسازی: تبدیل پروژه بورژوازی به نظریه‌ای علمی... ۸۹

۹۵ تکمیل طرح نو

۹۹ جبهه انتقادی در برابر نوسازی: نمایش بحران‌های ذاتی

فصل پنجم

۱۰۷ جهانی شدن: روایتگر توسعه در وضعیتی جدید..... ۱۰۷

۱۱۰ ۱. آینده‌گرایی: اولین راهکار برای فرار از بحران

۱۱۱ ۲. جناح چپ: سرمایه‌داری متأخر

۱۱۵ ۳. جناح راست: پایان تاریخ به روایت روشنگری

۱۱۹ جهانی شدن از نگاهی دیگر

۱۲۵ ضمیمه..... ۱۲۵

۱۲۷ پنج موج توسعه

۱۴۱ ساختارگرایی

۱۴۵ هسته در حال گسترش سرمایه‌داری

۱۵۰ توسعه انسانی: فقرزدایی و توزیع درآمد

۱۵۴ نو مارکسیسم و مکتب وابستگی

۱۷۷ منابع

مقدمه مجموعه

موج‌های تحولی که چند سده قبل در اروپا رخ داد و بعدها مدرنیته یا تجدد نام گرفت، اینک سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده و به رنگ خویش در آورده است. همه ما در عرصه‌های گوناگون حیات فردی و جمعی خود با انبوه موارد و مسائلی مواجه می‌شویم که اصولاً به همین تمدن مدرن غرب متعلق‌اند و اینک به پاره‌ای از جهان ما بدل شده‌اند. این امر به ابزارهای تکنولوژیک یا نهادها و سازمان‌های نوین منحصر نیست، بلکه علاوه بر این‌ها، مفاهیم، ایده‌ها، و اندیشه‌ها را نیز دربر می‌گیرد. در مباحث روزانه، در خانه و مدرسه، و اتوبوس و اداره وقتی از دعوای سیاسی و مشکلات اقتصادی و امثال آن‌ها سخن می‌گوییم، بسیاری از ارجاعات به مفاهیم و اندیشه‌هایی است که به سپهر اندیشه مدرن غرب تعلق دارند. این امر، خواه مطلوب و خواه نامطلوب، بخشی از واقعیت پیرامون ماست.

اما مشکل آنجاست که در اغلب موارد این قبیل استعمال مفاهیم و الفاظ با برخی بدفهمی‌ها و قشری‌نگری‌ها همراه است. ما بدون تذکر به عقبه فکری و تاریخ و تمدنی که این قبیل مفاهیم بدان تعلق دارند، آن‌ها را

به کار می‌بریم و این نحو استفاده سَرسری و غیرمتذکرانه ما را با تناقضات و چالش‌های اجتناب‌ناپذیری مواجه می‌کند؛ مثلاً، بسیاری از مشکلات و مسائل موجود در کشور به فقدان «توسعه» نسبت داده شده و از آن به‌منزله چاره و حلال همه مسائل یاد می‌شود؛ بدون آنکه توجه کنیم که مفهوم توسعه در نسبت با کدامین مبادی و مبانی شکل گرفته و با خود چه اقتضائات نظری و عملی‌ای را دربر دارد. همین وضعیت درباره بسیاری دیگر از اصطلاحات و مفاهیمی از این دست برقرار است.

مجموعه «اندیشه اجتماعی غرب جدید» در پاسخ به چنین آسیبی طراحی و تألیف شده است. در هریک از مجلدات این مجموعه، یکی از مفاهیم یا مباحثات مهم و دامنه‌دار اندیشه اجتماعی در غرب بحث و بررسی شده است. جلد نخست به مفهوم «مدرنیته» (تجدد)، جلد دوم به اصطلاحات سیاسی «چپ و راست»، و جلد سوم به مفاهیم «ترقی و توسعه» می‌پردازد.

در تألیف این مجموعه چند نکته مد نظر بوده است. نخست اینکه متن از نظر علمی استوار و به لحاظ نظری دقیق باشد و در عین حال مخاطبان غیرتخصصی و نوآموزان گرایش‌های مختلف رشته علوم اجتماعی بتوانند از آن استفاده کنند. از همین رو، تلاش شده تا در عین رعایت ایجاز و اختصار، مطالب حتی‌المقدور ساده و روشن بیان شود و در موارد لزوم توضیحات کافی ضمیمه شود. دوم اینکه، این مجموعه در پرداختن به موضوعات و مفاهیم مختلف از شیوه روایت تاریخی بهره برده است. درحقیقت، ما بر آنیم که نمی‌توان منتزع از سیر تحولاتی که مفهومی چون تجدید یا توسعه در طی چند سده اخیر داشته‌اند تعریفی جوهری و ماهوی از آن ارائه کرد. درحقیقت، فهم معنای هریک از این مفاهیم در گروی بازخوانی تاریخ آن‌هاست و از خلال این روایت تاریخی حدود و محدوده

کلی این مفاهیم و فراز و نشیب آن‌ها بهتر درک می‌شود. و سوم اینکه، روایت تاریخی نمی‌تواند تحولات عالم نظر و اندیشه را مستقل از تغییرات عینی و واقعی در عرصه‌هایی چون اقتصاد، سیاست، فرهنگ، و جامعه فهم کند. از این رو، تلاش شده است تاریخ تحولات هر موضوع یا مفهوم در رفت و برگشت میان «نظر و عمل» یا «اندیشه و اجتماع» روایت شود.

امیدواریم که این تلاش مقدماتی مورد توجه خوانندگان گرامی و اهالی اندیشه و دانش قرار گیرد و با بهره‌گیری از ارزیابی نقادانه و مصححانه آن‌ها امکان این را بیابیم که گام‌های بلندتری به سوی اصلاح و تعالی حوزه علوم انسانی، در جهت ساختن فردایی بهتر برای میهن اسلامی خویش، برداریم.

مرکز پژوهشی آموزشی کوثر

پیشگفتار: توسعه به مثابه گرداب

نسبت فضای مسلط علمی و تجربه حیات و زیستن کنونی ما با مجموعه مباحث و برنامه‌هایی با عنوان توسعه، توسعه‌نیافتگی، وابستگی، جهان سوم، رشد اقتصادی، توسعه پایدار، توسعه، و به‌تازگی جهانی شدن و نظایر آن‌ها، که همگی در ذیل گفتمانی به نام توسعه می‌گنجانند، به طریقی مشابه آنچه در باب نسبت انسان و فرهنگ گفته می‌شود، نسبت ظرف آب و ماهی مستغرق در آن است. جهان مدرنی که در آن زندگی می‌کنیم، به لحاظ اجتماعی، سیاسی، و فلسفی، متکی بر مفهوم توسعه است و اجتناب و گریز از آن، مترادف با نداشتن درکی از خود و جهان پیرامون تلقی می‌شود. انسان، دولت، یا ملتی که به توسعه، پیشرفت، و به بیانی دقیق‌تر، ترقی اعتقاد نداشته باشند، گویی دست‌کم قلمرویی عینی در این جهان را تصاحب نکرده‌اند. کافی است از خود پرسیم واقعاً جهانی بدون توسعه ممکن است؟ آیا جهانی که متکی بر توسعه نباشد، جهانی تصورشدنی است؟ آیا دولت‌ها، سیاست‌ها، یا برنامه‌ها، بدون توجه به مقوله توسعه، امکان بقا و دوام و از آن مهم‌تر، اقناع روحی، روانی، و فیزیکی مردمان

خود را دارند؟ به لحاظ وسعت و دامنه بحث نیز تأثیر اعتقاد به داستان یا رمان مسحورکننده توسعه، در فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی، اخلاق، اقتصاد، سیاست، مدیریت، مردم‌شناسی، فرهنگ، و به معنایی همه علوم مدرن دیده می‌شود و ظهور عینی آن تا سیاست‌های بین‌المللی، دولتی، ملی، محلی، و نظایر آن‌ها ادامه می‌یابد.

با این همه، این اعتقاد خنثی و بی‌طرف و مطلوب دانستن بی‌قید و شرط توسعه، برخاسته از غفلتی است که به مبانی فلسفی، تاریخی، و شرایط ظهور و بروز آن وجود دارد. درحقیقت، این غفلت، از آن نوع غفلتی است که ماهی به محیط پیرامون انباشته از آب خویش دارد و به سبب تسلط این مفاهیم و تعلیل بر اذهان عالمان علوم اجتماعی، درک فضایی خارج از آن، به معنای تجربه مرگ تلقی می‌شود. زندگی در وضعیتی که توسعه و ترقی ایجاد می‌کند، به جهت پیوندی که با ذات جهان مدرن دارد، مانند زندگی «مردمانی است که خود را در میانه گرداب باز می‌یابند؛ آن‌ها غالباً چنین احساس می‌کنند که آنان نخستین کسان و شاید تنها کسانی هستند که درگیر این وضع شده‌اند. این احساس، سرچشمه شمار زیادی از اسطوره‌های نوستالژیک و دلتنگی برای بهشت گم‌شده ماقبل مدرن بوده است»^۱.

اما به‌رغم همه این شواهد، باید پذیرفت آنچه امروز در محافل دانشگاهی، علمی، و فرهنگی با عنوان توسعه، که بر گفتمان و مجموعه مباحث و نظریات خاص دلالت دارد، شایع است، نه به معنای مفاهیم خنثایی نظیر بهبود و تعالی یا هر نوع تغییر اجتماعی - تاریخی، بلکه اشاره به مجموعه نظریه‌ها و اندیشه‌هایی دارد که در سیر تکامل زندگی و اندیشه در غرب و همراه با ظهور مدرنیته مطرح شده است. توسعه و همه مباحثی

۱. مارشال برمن، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹، ص ۱۴.

که در ذیل آن می‌گنجند، مفاهیمی عام و بی‌طرف در اندیشه بشری نبوده و نیستند. از این منظر، گفتمان توسعه، که در اینجا مراد از آن، مجموعه نظریه‌ها و مباحث مربوط به توسعه است، بیش از هر چیز، بر نظریه یا اندیشه ترقی^۱ بنا شده‌اند. بی‌جهت نیست که اعتقاد به توسعه و انکا بر ترقی، وجه غالب جهان امروز است. «درواقع، این اعتقاد در میان ملل جدید، چندان شایع است که حکومت‌ها یک‌سره وجود آن را به تجاهل برگزار می‌کنند و در نتیجه این واژه بدون آنکه به چون و چندی آن توجه شود، مورد ستایش قرار می‌گیرد.»^۲

به نظر می‌رسد تنها راه غلبه بر این غفلت و تجاهل ناخواسته و برون افکندن نظر بر بیرون از این کرداب، توجه به پیش‌تاریخ نظریه ترقی و عنایت به اشکال و صور مختلف تلقی از جوامع و تاریخ حیات آن‌ها باشد که قبل از پیدایش اندیشه ترقی وجود داشته‌اند. به لحاظ تاریخی، منشأ ابتدایی گفتمان توسعه، قرن هجدهم میلادی یا عصر معروف به روشنگری^۳ است. نقطه آنچه امروز با عنوان مدرنیته^۴ از آن یاد می‌شود، در همین عصر روشنگری بسته شد که در آن، مدرنیته، برای نخستین بار، به خودآگاهی نسبت به ماهیت تاریخی خود دست یافت. در شکل‌گیری و استمرار این دوره، دو دسته از نیروهای اجتماعی و نظری سهم بوده‌اند:

بورژواها، با مجموعه اعمال و نهادهایی که در پیوند با موجودیت اجتماعی آن‌ها، جهان اجتماعی رو به ظهور و گسترش مدرن را شکل می‌دادند، منشأ مهم اجتماعی این گفتمان را می‌سازند. در پیوند با این گروه اصلی، نظریه‌ورزانی هم قرار دارند که علایق،

1. the idea of progress

۲. سیدنی پولارد، اندیشه ترقی، ترجمه حسین اسدپور پیرانفر، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۹.

3. the age of Enlightenment

4. modernity

مشکلات، و انتظارات تاریخی گروه اول را در صورت نظری و در قالب اندیشه‌ها صورت‌بندی می‌کنند. این گروه از نیروهای اجتماعی، همان روشن‌فکران‌اند که نقش اصلی را به لحاظ نظری در انهدام جهان سنت و مفهوم‌سازی دین جدید یعنی مدرنیته به عهده داشته‌اند.^۱

نظریه یا اندیشه ترقی، که مبنای همه نظریه‌های توسعه از نسل اول آن‌ها تا نسل چهارم و پنجم است، مهم‌ترین دستمایه نظریه‌پردازی این روشن‌فکران و فلسفه‌های تاریخ قرون بعدی قرار گرفت. در ادامه، در ابتدا، به دسته دوم - فیلسوفان تاریخ - توجه شده است تا برای فهم بهتر اندیشه ترقی، تأملی در پیش‌تاریخ و مراحل تکوین آن نماییم.

۱. حسین کجویان، «گفت‌وگو: سرابی ویرانگر»، فصلنامه راهبرد توسعه، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۰۵.